

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۷/۰۱/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

فهرست مندرجات

۱ عدم تبعیت دلالت از اراده

۱.۱ مقام اول: موضوع له الفاظ

۱.۱.۱ ادله مرحوم اخوند در رد قول مخالف و اثبات قول اول

۱.۱.۱.۱ دلیل اول: اراده از مقومات استعمال است

۱.۱.۱.۱.۱ ارد دلیل اول مرحوم اخوند و عدم لزوم اجتماع دو

اراده

۱.۱.۱.۲ دلیل دوم: خلاف حکمت وضع

۱.۱.۱.۲.۱ منظور از مراد در موضوع له، ضیق بودن موضوع

له

۱.۱.۱.۳ بیان مرحوم آغا ضیاء: لزوم خلف در صورت داخل

بودن اراده در موضوع له

۱.۱.۱.۳.۱ مغالطه بودن ادعای مرحوم آغا ضیاء

۱.۱.۱.۴ دلیل سوم: خاص بودن موضوع له اسماء در صورت اخذ

اراده در موضوع له

۱.۱.۱.۴.۱ عدم تنافی بین عام بودن موضوع له اسماء و

خاص بودن آنها

موضوع: بررسی کلام اخوند / امر پنجم: عدم تبعیت دلالت از اراده / مقدمات

علم اصول

این جلسه چون دربر گیرنده مباحث گذشته است نیاز به نوشتن خلاصه درس جلسه قبل نیست.

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت‌الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل‌های 1400 - 1401

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت‌الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه‌ها

شهرستانها

کرمان

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع‌ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس‌ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت‌های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

۱. عدم تبعیت دلالت از اراده

بحث در این بود که آیا الفاظ و کلمات (زید، انسان و ...) برای معانی خودشان بما هی یعنی ذوات معانی، وضع شده‌اند؟ یا برای معانی بما هی مراد و به عنوان اینکه مراد متکلم‌اند و به قید مراد بودن و اراده شدن وضع شده‌اند؟ به نظر مرحوم آخوند بی‌تردید الفاظ برای ذوات معانی خودشان وضع شده‌اند نه برای معانی با قید مراد بودن (که مراد بودن یا جزء معنی باشد و یا قید و شرط آن).

ما در دو مقام بحث میکنیم

۱. ایا الفاظ برای ذات معانی وضع شده اند یا معانی با قید اراده

۲. بررسی توجیه مرحوم آخوند از کلام علمین

۱.۱. مقام اول: موضوع له الفاظ

دو قول در ما نحن فیه وجود دارد:

قول اول: وضع الفاظ برای ذات معانی

قول دوم (مرحوم خوئی): وضع الفاظ برای معانی بما هی مراد

۱.۱.۱. ادله مرحوم آخوند در رد قول مخالف و اثبات قول اول

مرحوم آخوند چند دلیل برای اثبات قول مشهور مطرح کرده است و اثبات کرده است که الفاظ برای ذات معانی وضع شده اند

۱.۱.۱.۱. دلیل اول: اراده از مقومات استعمال است

در مبحث معنای حرفی به تفصیل گفته شد که قصد و لحاظ معنی به هر نحوی که فرض شود (چه قصد آلی و چه استقلالی و ...) به هیچ وجه در دائره معنا داخل نبوده و جزء موضوع له یا مستعمل فیه نیست بلکه از مقومات و مسوغات و مجوزات استعمال است و تا لحاظ و تصور و قصد نباشد وضعی یا استعمالی هم نیست. ولی وضع و استعمال برای خود معنی و در خود معنی

است نه در معنا به قید مقصود و ملحوظ بودن. آنگاه اراده معنی هم جز قصد و لحاظ معنی چیز دیگری نیست.

اینکه از مقدمات استعمال است و نمیتواند جزء موضوع له باشد را مرحوم اخوند دلیل نیاورده است. ما اینگونه بیان میکنیم که اگر بنا باشد که اراده جزء موضوع له باشد نیاز به دو اراده است یکی اراده ی که دخیل در مستعمل فیه است و یکی نیز مقدمه استعمال است نظیر اجتماع دو لحاظ در بحث حرف. و اجتماع دو اراده خلاف وجدان است.

۱.۱.۱.۱.۱ دلیل اول مرحوم اخوند و عدم لزوم اجتماع دو اراده

ادعای مرحوم اخوند درست نیست زیرا ما یک اراده بیشتر نیاز نداریم مثلاً متکلم اراده میکند و معنایی را به مخاطب بفهماند همان اراده مکمل معنای موضوع له نیز هست و نیاز به دو اراده نداریم و یک اراده هم محقق معنا است و هم مقدمه استعمال است. مرحوم خوئی [۱] نیز همین مطلب را میفرماید که این اراده هم محقق معنا است و هم مقدمه استعمال است.

۱.۱.۱.۲ دلیل دوم: خلاف حکمت وضع

وقتی این الفاظ را در معانی استعمال میکنیم به غرض تطبیق بر خارج است اگر معنای مراد موضوع له باشد قابل انطباق بر خارج نیست بلکه ذات معنا قابل انطباق بر خارج است و در نتیجه باید از معنا تجرید شود و قید مراد حذف شود. مرحوم اخوند فرمود منظور از مراد که مفهوم آن نیست بلکه منظور مصداق اراده است و این مصداق اراده امر نفسانی است و در نفس است و قابل انطباق بر خارج نیست پس باید تجرید بشود از این قید تا انطباق قابل باشد در حالی که این مطلب خلاف حکمت وضع است و واضح لازم نبود که اینگونه وضع کند.

۱.۱.۱.۲.۱ منظور از مراد در موضوع له، ضیق بودن موضوع له

این ادعای مرحوم اخوند درست نیست زیرا اگر بگوییم الفاظ برای معانی مراد وضع شده است ادعای مرحوم اخوند درست است ولی اگر بگوییم منظور

کسانی که میگویند اراده جزء موضوع له است این است که الفاظ برای همان ذات معنا وضع شده است ولی با این قید که وقتی اراده شود به عبارت دیگر الفاظ برای همان صورت های ذهنی وضع شده است ولی وقتی اراده شود. نظیر علقه وضعیه که ضیق بود و مرحوم اخوند ادعا میکرد و میتوان گفت که دلالت تابع اراده است به این معنا که اراده قید علقه وضعیه است و یا قضیه حینیه است یعنی در وقتی که اراده فهم صورت زیدی داشت واضع ان زید را برای این صورت وضع کرده است در نتیجه اگر کسی در خواب زید را بگوید واضع ان را برای صورت زیدی وضع نکرده است. پس ممکن است اراده در وضع اخذ شده باشد به شکل علقه وضعیه یا قضیه حینیه. پس تجریدی لازم نمیاید.

۱.۱.۱.۳ بیان مرحوم آغا ضیاء: لزوم خلف در صورت داخل بودن اراده در موضوع له

ایشان میفرماید [۲] اگر اراده دخیل در مستعمل فیه باشد مشکلی به وجود میاید و ان عبارت است از اینکه معنا خودش مراد است و معنا را اراده میکنیم پس مراد قبل از اراده است و اول معنا باشد تا اراده شود و معقول نیست که جزء موضوع له باشد زیرا اگر اراده داخل در موضوع له باشد مقدم میشود و خلف است. و چیزی که متاخر است نمیتواند متقدم باشد.

۱.۱.۱.۳.۱ مغالطه بودن ادعای مرحوم آغا ضیاء

اینکه ایشان فرمود اراده به معنا تعلق میگیرد درست است اما اینکه فرمود واضع نمیتواند معنا را جزء موضوع له قرار دهد درست نیست زیرا قائل میگوید از اول، معنا همان معنای مراد است و اراده به معنای مراد تعلق میگیرد.

۱.۱.۱.۴ دلیل سوم: خاص بودن موضوع له اسماء در صورت اخذ اراده در موضوع له

اگر اراده در موضوع له دخیل شد، لازم می آید تمام الفاظ در عالم وضعشان عام و موضوع له آنها خاص باشد. حتی اسماء اجناس هم لازم می شود موضوع

